

میدون و سوفیا

عامل اصلی خودکشی در ایران اعلام شد زدن خوشی زیر دل آدم!



► **پوریا عالمی**

● در روزهای اخیر شایعه خودکشی جوان ایده‌ای بر اثر فقر منتشر شد که براساس آن این جوان به علت اینکه بعد از یک هفته نان خالی خوردن حتی همان نان خالی برای سیرکردن خانواده‌اش مهیا نبود، دست به خودکشی زده است. (خبرگزاری مهر)

دادستان ایده از تشکیل پرونده قضائی برای شناسایی عامل یا عوامل شایعه خودکشی پسر ایده‌ای به دلیل فقر، خبر داد.

بهترین راه

مثل همیشه مسئولان ما به‌موقع، تیز، خفن و جامع و مانع وارد عمل شدند. چطور؟! این‌طوری که جای بررسی عامل خودکشی، قرار شد ببینیم کی خبر خودکشی را منتشر کرده است.

شایعه

البته ما هم همراه با مسئولان، نه‌تنها خبر شایعه خودکشی به دلیل فقر را تکذیب می‌کنیم؛ بلکه مطمئن هستیم ایرانی‌ها فقط وقتی خوشی بزند زیر دشان، خودشان را می‌کشند. حتما جوان ایده‌ای هم از این موضوع که موضوعی برای رنج‌بردن نیست، رنج می‌برده است. متأسفانه وضعیت کشور ما به قدری خوب است و هیچ مشکلی وجود ندارد که آدم‌ها دچار یأس فلسفی می‌شوند.

ما از مسئولان می‌خواهیم برای رضای خدا هم شده، چهار تا مشکل ایجاد کنند تا سر مردم گرم شود و دلیلی برای زندگی داشته باشند. آخر تا کی ما مردم باید احساس کنیم توی عسل هستیم؟ کاش مسئولان به فکر مردم بودند و می‌دانستند وقتی این‌طوری از جان مایه می‌گذارند و همه‌چیز را در حد اعلا مدیریت کرده‌اند، به ما مردم عادی ضربه می‌خورد.

فقدان مسئله!

البته اصولا این‌طور که ما متوجه شدیم، ما اصلا مسئله فقر و فقیر در کشور نداریم. پس به‌این‌دلیل که مسئله فقر در کشور نداریم، مجبوریم برویم مسائل کشورهای دیگر را حل کنیم!

راه‌حل کلی

این‌طور که معلوم است، در مسئله برخورد نماینده سראوان با کارمند، مشکل اصلی آن کسی بوده که فیلم گرفته و پخش کرده. در مسئله جلسه غیرعلنی مجلس هم مشکل اصلی آن کسی بوده که فیلم گرفته و پخش کرده. در مسئله آتش‌سوزی در مدرسه زاهدان هم مشکل اصلی کسی است که خبر را داده. در مسئله بی‌آبی و زاینده‌رود و سدها و تخریب‌خورها هم مشکل آن کسی که خبر این موضوع را منتشر می‌کند. در مسئله خودکشی هم مشکل آن کسی است که خبر می‌دهد. کلا نگاه کنی، مشکل خبرنگارها و شهروند-خبرنگارها هستند.

ما همین‌جا تقاضا می‌کنیم - چند روز پیش هم تقاضا کردیم! - مسئولان کلا رسانه، مطبوعات، اینترنت، موبایل و... را ممنوع و حذف کنند. همه نفس راحتی می‌کشیم.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... به یکی گفتند کی به دنیا آمدی؟ گفت من مثلا ۱۳۶۱ به دنیا آمدم و ۲۰ سال بعد هم فوت کردم. بهش گفتند داداش تو که هنوز زنده‌ای؟ طرف نگاهی به خودش و خانه زندگی و وضعیتش کرد و گفت: کاکا! تو به این می‌گویی زندگی؟ عاشق مرده تو؛ میدون دوم.

عجیب و غریب

۱۸۰۰ مدرک

● جانشین فرمانده انتظامی مازندران از دستگیری جاعل حرفه‌ای مدارک تحصیلی با هزارو ۸۰۰ مورد کلاهبرداری در شهرستان نوشهر خبر داده است. البته این باند چندنفره در خراسان هم به جعل مدرک اقدام می‌کردند. قیمت‌ها هم خیلی به‌صرفه‌تر از دانشگاه آزاد یا پردیس‌های غیرانتفاعی بوده است. متهمان با دریافت مبالغی از ۵۰ تا ۲۰۰ میلیون ریال از متقاضیان، مدرک تحصیلی جعلی، معادل مقطع کارشناسی ارشد و دکتر، غالبا از دانشگاه‌های آفریقایی و جنوب شرقی آسیا برای آنان صادر می‌کردند.

البته باید از کارآگاهان اداره مبارزه با جعل و کلاهبرداری تشکر فراوان کرد که سرانجام توانسته‌اند این افراد را دستگیر کنند. اما موضوع این است که افراد این گروه با دقت توانسته‌اند نیاز روز مردم - مدرک‌گرایی - را شناسایی و با قیمت پایین این امکان را برایشان فراهم کنند؛ یک شیوه کلاهبرداری که توانسته است به هزارو ۸۰۰ خانواده شاینت قلابی ببخشد.



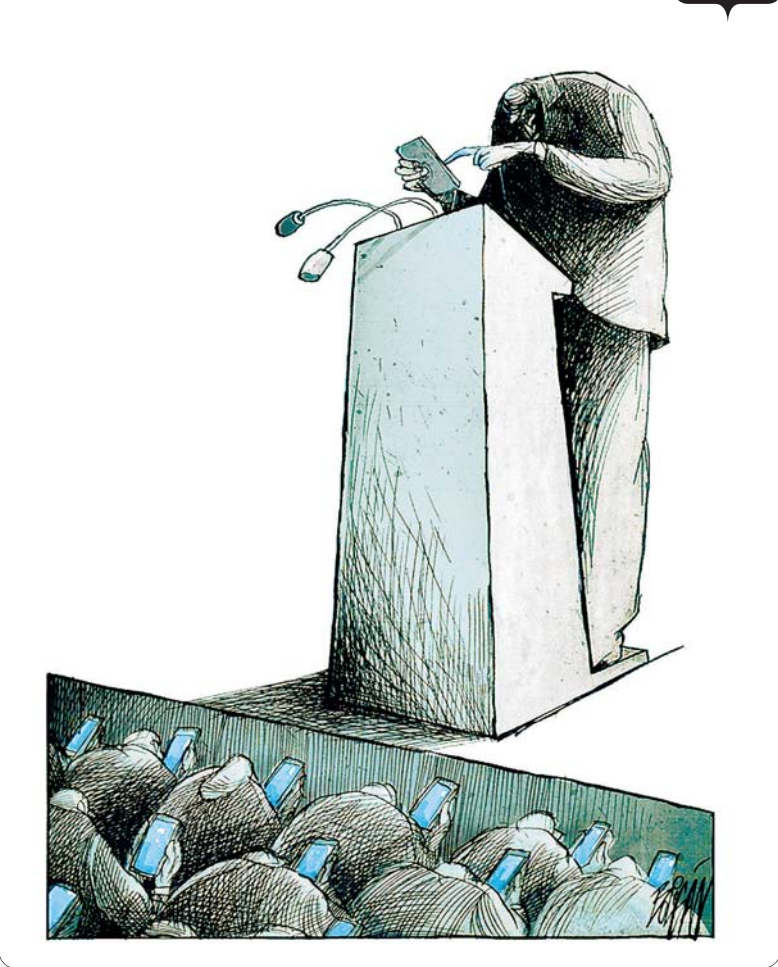
روزنامه شتر

شنبه ۱ دی ۱۳۹۷ • ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۲ دسامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۲۲ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۵ • اذان صبح فردا ۵:۴۱ • طلوع آفتاب ۱۷:۱۱

روزنفرها

کارتون خواب

► **آنجل بولیگان**



دور دنیا

آیا آمریکا تسخیر شده است؟

ناتان هلر، ستون‌نویس نیویورکر، در مقاله‌ای به مسئله باورهای اعتقادی خرافی مردم آمریکا پرداخته و جنبه اجتماعی و ریشه‌های تاریخی آن را به‌ویژه در دوران برده‌داری در آمریکا کاویده است. بخش‌هایی از این مقاله را می‌خوانیم. حدود یک سال پیش، چند روزی را در ساوانا و جورجیا می‌گذراندم و یک بلیت برای یک تور «ارواح» خریدم؛ اولین‌باری بود که چنین توری می‌گرفتم. شب شنبه‌ای بود. برنامه این بود که مکان‌هایی تسخیرشده را در جاهای مختلف شهر ببینیم و بعد با عجله به سر شام از پیش زروزشده برویم. من به‌طور معمول علاقه‌ای به چیزهای ترسناک ندارم - از فیلم‌های ترسناک پرهیز می‌کنم و به این چیزها اعتقادی ندارم. اما ساوانا به این می‌یالد که شهری تسخیرشده است و گذراندن ساعت‌های گرگ‌ومیش غروب در پارک‌ها و تعریف‌کردن این داستان‌ها کار جالبی به نظر می‌رسید. یک شب پاییزی دوست‌داشتنی و کمی ترسناک بود؛ مرطوب و کمی گرم و سرخ به رنگ برگ‌ها و خره‌های تغییر رنگ‌ده. در گروه‌های حداقل چهارنفره به راه افتادیم. راهنما درباره ارواح بسیار صادقانه صحبت می‌کرد. از کوشی موبایل خود صداهایی مشابه تونل باد پخش کرد و از ما پرسید که آیا صداهای جیغی در آنها شنیده‌ایم یا نه.

اگر می‌شنیدم، تعجب می‌کردم چون بیشتر کوشی‌هایی که به آنها برخورد‌هام حتی در ضبط‌کردن صداهای معمول در وسط شهر نیویورک مشکل داشتند. اما بغظر می‌رسید که بقیه افراد نسبت به من حس شنوبلی قوی‌تری داشتند. راه می‌رفتیم و نمای عمارت‌های مجللی را می‌دیدیم که ساکنان‌شان به قتل رسیده بودند، یا خودکشی کرده یا طلسم شده بودند. راهنمای ما گفت در یک خانه گاهی اوقات و بعضی شب‌ها، صاحبخانه نوری کورکننده به افراد تور می‌اندازد و فریاد می‌زند که بروند. این خانه واقعا به نظر من خیلی تسخیرشده نمی‌آمد، اما چیزی که گفته می‌شد، به‌نظم نامربوط نمی‌آمد. در طول قرن‌ها افرادی که در اینجا قدم می‌زدند، می‌گفتند، می‌گفتند احساس کرده‌اند سایه‌هایی از مقابل آنها رد شده یا احساس نفس تنگی یا وزنی زیاد روی سینه داشته‌اند. او گفت یکی دیگر از چیزهای ترسناکی که باید درباره میدان کالهن بدانیم، این است که این مکان، محل دفن بردگان بوده است. تخمین زده‌اند که هزار جسد زیر چمن‌ها دفن شده است. اما هیچ‌کس دقیق نمی‌دانست کجا چون این قبرها دسته‌جمعی و بی‌نشان بودند.

روز بعد و در طول هفته بعد گاهی درباره تور میدان کالهن فکر کردم. ابهام عمدی توضیحات راهنما من را در فکر فرو برد و به علت شیفتگی آمریکایی‌ها به چیزهای ترسناک و جادویی فکر کردم. هرگز درک نمی‌کردم وقتی نویسن نیویورکر، در مقاله‌ای به مسئله باورهای اعتقادی خرافی مردم آمریکا پرداخته و جنبه اجتماعی و ریشه‌های تاریخی آن را به‌ویژه در دوران برده‌داری در آمریکا کاویده است. بخش‌هایی از این مقاله را می‌خوانیم. حدود یک سال پیش، چند روزی را در ساوانا و جورجیا می‌گذراندم و یک بلیت برای یک تور «ارواح» خریدم؛ اولین‌باری بود که چنین توری می‌گرفتم. شب شنبه‌ای بود. برنامه این بود که مکان‌هایی تسخیرشده را در جاهای مختلف شهر ببینیم و بعد با عجله به سر شام از پیش زروزشده برویم. من به‌طور معمول علاقه‌ای به چیزهای ترسناک ندارم - از فیلم‌های ترسناک پرهیز می‌کنم و به این چیزها اعتقادی ندارم. اما ساوانا به این می‌یالد که شهری تسخیرشده است و گذراندن ساعت‌های گرگ‌ومیش غروب در پارک‌ها و تعریف‌کردن این داستان‌ها کار جالبی به نظر می‌رسید. یک شب پاییزی دوست‌داشتنی و کمی ترسناک بود؛ مرطوب و کمی گرم و سرخ به رنگ برگ‌ها و خره‌های تغییر رنگ‌ده. در گروه‌های حداقل چهارنفره به راه افتادیم. راهنما درباره ارواح بسیار صادقانه صحبت می‌کرد. از کوشی موبایل خود صداهایی مشابه تونل باد پخش کرد و از ما پرسید که آیا صداهای جیغی در آنها شنیده‌ایم یا نه.

اگر می‌شنیدم، تعجب می‌کردم چون بیشتر کوشی‌هایی که به آنها برخورد‌هام حتی در ضبط‌کردن صداهای معمول در وسط شهر نیویورک مشکل داشتند. اما بغظر می‌رسید که بقیه افراد نسبت به من حس شنوبلی قوی‌تری داشتند. راه می‌رفتیم و نمای عمارت‌های مجللی را می‌دیدیم که ساکنان‌شان به قتل رسیده بودند، یا خودکشی کرده یا طلسم شده بودند. راهنمای ما گفت در یک خانه گاهی اوقات و بعضی شب‌ها، صاحبخانه نوری کورکننده به افراد تور می‌اندازد و فریاد می‌زند که بروند. این خانه واقعا به نظر من خیلی تسخیرشده نمی‌آمد، اما چیزی که گفته می‌شد، به‌نظم نامربوط نمی‌آمد. در طول قرن‌ها افرادی که در اینجا قدم می‌زدند، می‌گفتند، می‌گفتند احساس کرده‌اند سایه‌هایی از مقابل آنها رد شده یا احساس نفس تنگی یا وزنی زیاد روی سینه داشته‌اند. او گفت یکی دیگر از چیزهای ترسناکی که باید درباره میدان کالهن بدانیم، این است که این مکان، محل دفن بردگان بوده است. تخمین زده‌اند که هزار جسد زیر چمن‌ها دفن شده است. اما هیچ‌کس دقیق نمی‌دانست کجا چون این قبرها دسته‌جمعی و بی‌نشان بودند.

روز بعد و در طول هفته بعد گاهی درباره تور میدان کالهن فکر کردم. ابهام عمدی توضیحات راهنما من را در فکر فرو برد و به علت شیفتگی آمریکایی‌ها به چیزهای ترسناک و جادویی فکر کردم. هرگز درک

۱- بند ۳ از اصل سوم قانون اساسی فراهم‌کردن موجبات آموزش‌وپرورش و تربیت‌بدنی رایگان برای همه و در تمام سطوح را جزء وظایف دولت جمهوری اسلامی (بخوانیم نظام جمهوری اسلامی) برشمرده است و بند ۹ همین اصل رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی را نیز داخل در وظایف نظام دانسته است. اصل سی‌ام قانون اساسی می‌فرماید «دولت موظف است وسایل آموزش‌وپرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد».

در سال ۱۳۶۲ نخست‌وزیر وقت از شورای نگهبان در مورد آموزش رایگان با توجه به اصل سی‌ام قانون اساسی پرسشی کرد. نظریه شماره ۱۵۴۳ شورای نگهبان که در سال ۱۳۶۳ اتخاذ شد ضمن بیان اینکه دولت باید امکانات موجود را به‌طور متعادل بین اموری که در قانون اساسی آمده تقسیم کند، تصریح کرده است «... با عدم امکانات کلی دولت با رعایت اولویت‌ها مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران باید اقدام کند...».

حاصل اینکه ظاهرا موضوع لزوم آموزش فراگیر با ترجیح مناطق و هم‌میهنان محروم از آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است که در قانون اساسی منعکس شده و واضح است آموزش، لوازم و بایسته‌هایی دارد که

اولین قدم آن فراهم‌آوردن موجبات آسایش و ایمنی دانش‌آموزان و دانشجویان است.

۲- آنچه اخیرا در زاهدان اتفاق افتاد و بار اول هم نبود اما امیدواریم بار آخر باشد، وقتی به قضیه دقیق شویم، دل را به درد می‌آورد. به قول یکی از مادران تجسم اینکه بچه‌ای را با رویوش و وسایل آماده کرده و به مدرسه فرستاده‌ایم و بعد خبر مرکش به ما داده شود، وحشتناک است و برای غیراهل درد غیرقابل تجسم. این مطلب متأسفانه حادث شده است و ناچار موضوع مسئولیت مطرح می‌شود. این جنبه قضیه از جهات مختلفی قابل بحث است زیرا گفته شده که مدرسه نوساز و از جهت بنا کامل بوده اما به علت سرما و نداشتن گاز از بخاری قابل حمل (احتمالا همان چیزی که به آن علاءالدین یا والور می‌گفتیم و اینک درخور موزه‌هاست) استفاده شده است که منجر به آتش‌سوزی و بروز فاجعه شد.

۳- جنبه کیفری قضیه مشمول ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی است که مجازات قتل غیرعمد به‌واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی را مستوجب مجازات حبس از یک تا سه سال و همچنین دیه دانسته و البته در مورد جرح و ضایعات بدنی نیز قانون دیات حاکم است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که سلسله کسانی که ممکن است دراین‌میان مسئولیت کیفری داشته باشند، باید بررسی و رعایت شود، به این معنا که ممکن است مدیر مدرسه به‌موقع برای گرمایش مدرسه تقاضا و اقدام کرده باشد اما مقامات مافوق او در این مورد کم‌کاری و کاهلی کرده باشند که در این حالت ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی تعیین‌تکلیف کرده است و می‌گوید «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات

یادداشت

کودکان سوخته زاهدان و مسئولیت دولت

رسمی جرمی واقع شود، آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند؛ اما ماموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل‌قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجرا کرده باشد، مجازات نمی‌شود...»؛ بنابراین هریک از مقاماتی که مسئول تجهیز و آماده‌سازی مدرسه مورد بحث از هر جهت، ازجمله گرمایش، بوده‌اند، می‌توانند و باید ثابت کنند که اقدامات لازم را به‌موقع انجام داده‌اند و این رشته ممکن است تا شخص وزیر نیز ادامه پیدا کند.

۴- اما از نظر حقوقی (مدنی) ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی گوید «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمدا یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصا مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، دراین‌صورت جبران خسارت برعهده اداره یا مؤسسه مربوطه (بخوانیم نظام یا دولت) است...».

تردید نیست که در این مورد با حکم همین ماده مواجه هستیم و به‌رحال دولت مسئول جبران همه خسارات است، صرف‌نظر از اینکه مسئولیت کیفری به چه کس یا شخصی متوجه باشد.

بگذریم از اینکه مجازات یا پرداخت خسارت، نونهالانی را که به ملکوت اعلی پیوسته‌اند، برنمی‌گرداند و اندوه و غم والدین را کاهش نمی‌دهد. شاید بدون ارتباط با این موضوع متبادر به ذهن شد مردی همسرش را دائم کتک می‌زد، گفتند چرا می‌زنی، گفت خرجی که نمی‌دهم، شب هم به خانه نمی‌روم و به تفریح و تفرج هم نمی‌برمش، اگر کتکش زنم، چگونه مردم بفهمند من شوهرش هستم؟ والله اعلم.

یادداشت

عیب و هنر دولت دوم روحانی

(ازجمله ممنوعیت مشق شب و منع انتشار کتاب‌های کمک‌آموزشی دبستان)
- بهبود سیاست‌گذاری ارزی در مدیریت جدید بانک مرکزی که به کاهش التهاب بازار و قیمت دلار (حتی پس از آغاز تحریم‌های جدید و شدید آمریکا) انجامید

- آغاز گفت‌وگوهای منظم رئیس‌جمهور با نمایندگان گروه‌های اجتماعی و سیاسی در ماه‌های اخیر و شنیدن بیشتر و حضوری صدای منتقدان و مطالباتشان

- اختصاص سهمیه ۳۰درصدی به زنان در مدیریت‌های دولتی

- توفیق رنگنه و ظرفیت در زمینه‌سازی برای فروش بیش از یک میلیون بشکه نفت بعد از تحریم‌های جدید و شدید آمریکا

- مقاومت در برابر فیلترینگ اینستاگرام

- تنظیم لوائح شفافیت و تعارض منافع
- ارسال لایحه‌ای در جهت اینکه فقط صلاحیت علمی منبای ثبت‌نام در دانشگاه‌ها باشد

- تمهید مقدمات «سامانه آنلاین مطالبات عمومی ایرانیان» که از طریق آن هر مطالبه‌ای که بیش از صد هزار امضای شهروندان ایران را جمع کند، دولت را موظف به پاسخ‌گویی رسمی می‌کند و طبق اعلام حسام‌الدین آشنا به‌زودی آغاز به کار می‌کند

- توفیق روحانی و ظرفیت در اجماع‌سازی برای تصویب FATF، حفظ برجام بعد از خروج آمریکا

از آن، گرفتن تسهید مهم از اروپا (از جمله ماندانازی سامانه SPV) و حفظ حمایت همه جهان (به‌جز آمریکا، اسرائیل، عربستان و امارات) از برجام
- بهبود سامانه انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات

- حذف دوشغله‌ها و انتشار اسامی اعضای هیئت‌مدیره در شرکت‌های وابسته به وزارت کار
- افزایش چشمگیر سرعت و پوشش اینترنت (به‌ویژه در مناطق روستایی کشور)، اجرای موفق طرح ثبت‌نام کوشی‌های هوشمند و توقف قاچاق موبایل و آغاز اجرای موفق رویه‌های شایسته‌گزینی شفاف با فراخوان عمومی در وزارت نیرو و بخش‌هایی از وزارت کار



آسمان جهان

کودکان فراموش‌شده

خودشان را به کلمبیا رساندند. ماریان منجیوار به یکی از نظرسنجی‌هایی که دولت کلمبیا انجام داده و در آن از ۲۵۰ هزار ونزوئلایی ساکن این کشور شرکت کرده‌اند، اشاره می‌کند و می‌گوید بیش از ۷۳ درصد مهاجران نزدیکانشان را در کشور گذاشته‌اند و منتظرند شرایطشان مناسب شود تا دوباره در کنار هم جمع شوند. از بین ۳۱۲ ونزوئلایی که به‌تازگی به این کشور آمده‌اند نیز ۵۲ درصد آنها مجبور شده‌اند از حداقل یک فرزندشان جدا شوند. طبق نظر کارشناسانی که بر مقوله جدایی خانواده‌ها هنگام مهاجرت پژوهش می‌کنند، دلایل این جدایی در چند بخش تقسیم می‌شود؛ ازجمله امید به جدائی موقت، تردید درباره موقعیت مهاجرتشان و نگرانی درباره آینده شغلی.

هنگامی که شش ماه پیش خانه‌اش را ترک کرد، باورش نمی‌شد در این مدت کوتاه سه فرزندش که در کنار برادرش مانده‌اند، دیگر صدا و تصویر او را به خاطر نیاورند. البته او چاره‌ای هم نداشته، چراکه نمی‌دانسته چه سرنوشتی در انتظارش است. چند روز پیش بود که خبرگشته‌شدن یک دختر هفت‌ساله مهاجر در یکی از اردوگاه‌های مرزی آمریکا منتشر شد و نمایندگان موزکرات مجلس نسبت به آن واکنش نشان دادند و خواستار تحقیق شده‌اند؛ البته امیلی اکتون در کلمبیا زندگی می‌کند. براساس آمار سازمان ملل متحد، حدود ۲۰۳ میلیون ونزوئلایی در سه سال گذشته به دلیل تورم، کمبود غذا و دارو از کشورشان فراری شده‌اند. حدود یک میلیون نفر از مسیر زمینی

این روزها حضور مهاجران ونزوئلایی در کلمبیا جزء مسائلی است که درباره‌اش زیاد مطلب منتشر می‌شود. در گزارش اخیر روبرترز اعلام شده حداقل چهار میلیون ونزوئلایی تا ۲۰۲۱ در این کشور زندگی خواهند کرد. اکنون نیز یک میلیون مهاجر ونزوئلایی در این کشور ساکن شده‌اند. سازمان ملل مهاجرت ونزوئلایی‌ها را به عنوان «بزرگ‌ترین مهاجرت در تاریخ مدرن آمریکای جنوبی» نام‌گذاری کرده است. حداقل دو میلیون نفر از این کشور مهاجرت کرده‌اند. گاردین از استقبال سرد کلمبیا نسبت به مهاجران نوشته است. همچنین در یکی از گزارش‌های آسوشیتدپرس به زنان مهاجری اشاره شده که مجبور به ترک خانه بدون فرزندان شده‌اند. فرزندانِ که آنان را دیگر نمی‌شناسند، امیلی



► **بهمن کشاورز حقوق‌دان**



► **محمدرضا جلالی‌پور**

به‌عنوان یک شهروند، در نقد مصلحانه عیوبی ازاین‌دست در دولت دوم روحانی مکررا نوشته و گفته‌ام:

- کم‌کاری و کُندی روحانی در پاسخ به انتظاراتی که در تبلیغات انتخابات ۹۶ ایجاد کرد

- اهمال در توزیع عادلانه‌تر و مؤثرتر ثروت و بارانه‌های پنهان و آشکار (به‌ویژه بارانه انرژی) برای کاهش نابرابری و فقر شدید

- سیاست‌گذاری مشکل‌افزا در مدیریت بحران بازار دلار (به‌ویژه تعیین نرخ چهار هزارو ۲۰۰تومانی اولیه)، طلا و خودرو

- انتخاب‌نکردن وزیر زن

- پرهیز از اتخاذ «تصمیمات سخت» برای

مواجهه با ابرچالش‌های اقتصادی

- اهمال در ارتقای سیستماتیک ظرفیت‌های سیاست‌گذاری و حل مسئله‌ای دولت

- عدم جدیت در اصلاح قوانین و رویه‌های استخدام و ارتقا و سازمان اداری و استخدامی در جهت تقویت شایسته‌گزینی شفاف

- ضعف در مدیریت ورزش و استانداردی‌ها و ارتباط با نمایندگان گروه‌های اجتماعی و تقویت سندیکاها

- انتخاب وزرای ضعیف به‌جای وزرای استیضاح‌شده و مستعفی

- ضعف شدید معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور

- ناهماهنگی‌ها و ضعف عمومی در تیم

اقتصادی و سیاست داخلی دولت

- تأخیر در انتخاب سفرای جدید قوی برای هند، چین، ژاپن، ترکیه و یک سخنگوی توانا برای دولت

- کم‌کاری در اصلاحات ساختاری برای کاهش انواع فساد اقتصادی، اندک‌سالاری و خویشاوندسالاری در دولت